

زن در اندیشه اسلامی

یوسف حسین نژاد^۱، سیده معصومه اسماعیل پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

چکیده

نقش زن در اندیشه اسلامی، براساس هدف خلقت یعنی، عبودیت تفسیر می‌شود و با تعریف وظیفه‌مداری زن مبتنی بر ایمان به توحید و عاطفه‌محوری وی جایگاه ویژه‌ای برای زنان ترسیم می‌شود. از این رو، زن در منابع اسلامی (قرآن و روایات) علاوه بر انجام وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی با ایثار و از خودگذشتگی در خط مقدم حوادث اجتماعی نیز نقش‌آفرینی می‌کند. در پژوهش حاضر پس از اثبات ارتباط وظیفه‌مداری زن مسلمان در بستر عبودیت، وظایف وی در سه بخش دسته‌بندی شد که عبارتند از: وظایف فردی زن (خودسازی، علم‌آموزی، امر به معروف و نهی از منکر)؛ وظایف زن در خانواده (نقش همسری، نقش مادری، نقش خانه‌داری)؛ و ولایت‌مداری زن (وظیفه زن در جامعه؛ یعنی حضور در فعالیت‌های «سیاسی، علمی - فرهنگی و اقتصادی»).

واژگان کلیدی: زن، اندیشه اسلامی، عبودیت، وظیفه‌مداری.

۱. دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Yosuf1314@gmail.com

۲. کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.
Email: mohammadmostafamm10@gmail.com

۱. مقدمه

با ظهور اسلام کرامت انسانی زن، احیا و در کنار مرد با عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح شد، تا جایی که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «استَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا؛ یکدیگر را به رفتار نیک با زنان سفارش کنید» (مجلسی، ۱۳۷۴، ۳۳/۹۶). اسلام زنده به گور کردن دختران را ممنوع کرد و احترام به زنان را جزو تعالیم خود قرار داد. قرآن مجید به زن حیاتی تازه بخشید، کرامت و شرافت داد و آنان را از ذلت، به اوج عظمت و عزت رساند. قبل از اسلام، برای زنان حرمتی قائل نبودند و با وی مانند کالا و اسیر رفتار می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/۲۶۶-۲۶۷). اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از سویی انسان را در بهترین و والاترین جایگاه به تصویر کشید و از سوی دیگر، هویت انسان را فقط در ارتباط با خالق جهان، معنا و مفهوم بخشید. در این نگاه، انسان موجودی بریده از عالم هستی و بیگانه با آن نیست، بلکه آفریده حقیقتی متعالی است و بوجود و رفتارش قوانین و سنت‌های الهی حکومت می‌کند.

۲. رابطه وظیفه‌مداری زن مسلمان با عبودیت

خداوند متعال در قرآن کریم هدف از آفرینش را بندگی معرفی کرده و در یک دعوت عمومی همه را به پرستش خود دعوت کرده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات: ۵۶). از این رو، کلیدی‌ترین مفهوم در زندگی انسان بندگی و پرستش خدا است و خداوند مرد و زن را چنین خطاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم! پروردگارتان را بپرستید که شما و کسان قبل از شما را آفرید، باشد که پرهیزکار شوید» (بقره: ۲۱). تمام دستورات و احکام اسلام، برای هدایت انسان (زن و مرد) در مسیر بندگی و رسیدن به مراحل کمال دنیوی و اخروی است. از این رو، توصیه‌های قرآن و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای هدایت زنان، در جهت پرستش الهی است.

عبودیت و پرستش در زندگی زنان مستلزم وظیفه‌مداری به جای نتیجه‌گرایی است؛ چرا که زنان به اقتضای بندگی، وظایفی (تکالیفی) برعهده دارند که سبک زندگی زن مسلمان را در تعارض (و تفاوت) مهمی با سبک زندگی زن غربی قرار داده است. برخلاف

سبک زندگی زن مسلمان، زندگی زنان در غرب مبتنی بر نتیجه‌گرایی، محور شدن حقوق فردی، لذت‌طلبی، پرستش مظاهر دنیایی و محاسبه سود و زیان مادی در تمام زوایای زندگی است. زن مسلمان، زن تکلیف‌گرا، وظیفه‌مدار و خدامحور است، در حالی که زن غربی غریزه‌مدار، نتیجه‌گرا و خودمحور می‌باشد. زن مسلمان به واسطه ایمان به توحید از دنیاخواهی و پرستش اله‌های دنیایی گریزان می‌شود و چون دنیا را مزرعه آخرت می‌داند، شوق به انجام خیرات (مسارعت در خیرات) در وی پرورش می‌یابد و این روحیه او را به از خودگذشتگی و ایثار و می‌دارد؛ چرا که دنیا را هدف نمی‌پندارد، بلکه وسیله رسیدن به هدف می‌داند. این عامل مهم از سویی و تأثیر عاطفه که خصلتی فطری و از محوری‌ترین خصوصیات زنانه است، وحدت ترکیبی‌ای (انسجام و ثبات شخصیت) در زن مسلمان ایجاد می‌کند که زمینه تحقق وظیفه‌مداری را در زن مسلمان تسهیل می‌نماید. به گونه‌ای که وظیفه را سخت و غیرقابل تحمل نمی‌شمارد، بلکه با علاقه به سمت انجام وظایف رفته و توجه به وظایف به یک نیاز و تقاضای درونی تبدیل می‌شود، به طوری که انجام وظایف را عامل رشد و تکامل خود می‌داند. (حسینی، ۱۳۷۴، ۴/۳)

هرچند وظیفه‌مداری در مرد نیز وجود دارد و متأثر از ایمان اوست، اما نوع وظیفه‌مداری زن مسلمان با توجه به ویژگی‌های زنانه (که خداوند در وجود او نهاده است، از جمله عاطفه‌محوری) با کیفیت وظیفه‌مداری مردان متفاوت است.

برای نمونه همسر حزیبیل نجار در برابر فرعون، مادر وهب در واقعه عاشورا حماسه‌های بی‌نظیر زنان موحدی است که ترکیب ظریف برندگی ایمان و لطافت عاطفه‌محوری را همراه با ایثار، وظیفه‌مداری و ثبات در شخصیت در عرصه عبودیت به منصف ظهور نهادند. بانوان مسلمان، در نهضت عاشورا حماسه‌هایی را آفریدند که نشانه اوج عبودیت و بندگی خداست. حضرت زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد در جواب سؤال ابن زیاد که گفت: «دیدی که خدا با برادرت و خاندانت چه کرد! چگونه دیدی کار خدا را؟!»، فرمود: «مَا زَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ من چیزی جز زیبایی ندیدیم» (مجلسی، ۱۳۷۴، ۱۱۵/۴۵). در جلسه استیضاح که زینب علیها السلام در اوج مقام رضا و پرستش معبود قرار داشت، عاشورا در نزد ایشان، جز زیبایی و نماد عبودیت و تبعیت از فرامین الهی، چیز دیگری نبود. تحلیل جایگاه و شخصیت زن از منظر اسلام،

با این مفهوم محوری یعنی، بندگی و عبودیت گره خورده است. اقتضای زیست در عرصه عبودیت، یک سری وظایف از جمله وظایف «فردی، خانوادگی و اجتماعی» است.

۱-۲. وظایف فردی زن

زن و مرد در انسانیت و بعد انسانی با هم مساویند؛ یعنی در خلیفه خدا بودن، مختار بودن، تعیین سرنوشت خود، مسئولیت در قبال اوامر و نواهی دینی، منزلت ایشان نزد خداوند، قبول دعوت پیامبران علیهم السلام و پرستش خداوند، ثواب و عقاب، بهشت و جهنم و... تفاوتی بین زن و مرد نیست (هرچند زن و مرد از نظر جسمی با هم تفاوت‌های مهمی دارند که می‌توان آن را در مفهوم جنسیت خلاصه نمود). از آنجا که زن و مرد از نظر انسانیت (بعد نفسانی) با هم مساویند، وظایف فردی آنها نیز مشترک است. از جمله وظایف فردی مهمی که بر عهده زن و مرد مسلمان است، می‌توان به خودسازی، علم‌آموزی و امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

۱-۱-۲. خودسازی

در خودسازی، بنیادی‌ترین بعد شخصیت زن، یعنی بُعد روحی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در بستر عبودیت، تمایلات وی تغییر پیدا می‌کند. پس از این تغییر، تفکرات زن مسلمان تحول می‌یابد و سپس اعمال و رفتار او شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر تغییر رفتار سرآغاز بلوغ حالات روحی است. به همین دلیل بیشتر اعمال عبادی انسان به صورت عملی است. اعمالی مانند نماز، روزه، صبر، زکات و... تغییر در رفتارها باعث بلوغ فکری شده و تغییر در تفکرات نیز باعث تغییر در روحیات و رسیدن به بلوغ روحی می‌گردد. تأثیر اعمال در تفکر و روحیات انسان، همانند تأثیر ورزش در تقویت ماهیچه‌ها و سلامت بدن است.

نفس و روح بشر سرشار از میل‌ها، آرزوها و خواهش‌ها است. گاه انسان در مسیر تکامل، در انتخاب‌های خود، «چه خواستن»، «چگونه خواستن» و «چرا خواستن» را از یاد می‌برد. در نتیجه، در بسیاری از زمینه‌ها، ابزار تکامل (علم، ثروت، قدرت، منصب و...) را به جای هدف می‌شناسد و شتابان به سوی آن حرکت می‌کند. امام حسین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَتْ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو أَسْرَعَ لِمَا يَحْذَرُ؛ هر کس بخواهد چیزی را از

گناه به دست آورد، حتماً ناامید می‌شود، و زمانی متوجه می‌شود که شتابان [در مسیر] خلاف مطلوب خود می‌رفته است» (ابن شعبه، ۱۳۸۲).

انسان با پیروی از نفس (نفس اماره) از اقیانوس لطف و رحمت الهی بی‌بهره می‌ماند و به سراب خوشبختی گرفتار می‌شود. چنین انسانی هرچه بیشتر به سمت خواهش‌های نفسانی می‌رود، جز افزایش دلهره و تشویش روحی و آشوب درونی (اضطراب) بهره‌ای نخواهد برد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خالف الهوی تسلّم؛ با نفس مخالفت کن تا سالم بمانی» (آمدی، ۱۳۷۷). آغاز این مبارزه، ترک محرمات و گناهان و بندگی خدا و عبادت و اطاعت در برابر خدا است. در واقع لازمه پرستش خدا، تزکیه نفس است. بسیاری از وظایفی که خداوند برای افراد مؤمن مقدر فرموده است، وظایف رفتاری برای تزکیه نفس است. برای مثال: استعانت از نماز و صبر (ر.ک. بقره: ۴۵)، کسب روزی پاک (ر.ک. طه: ۴۵)، انفاق در راه خدا (ر.ک. بقره: ۲۵۴) و... حتی در قرآن کریم تصریح شده است که گمان نکنید، ادعای ایمان کافی است و به عمل شما توجهی نمی‌شود (ر.ک. عنکبوت: ۲). (آذربایجانی، ۱۳۹۰)

اثرات مجاهده با نفس در انسان به سه حالت بروز می‌یابد: ارتقای روحی (پرورش روحی از طریق تولی به ارزش‌های دینی)؛ ارتقای ذهنی (هماهنگی تفکرات و ذهنیت‌های انسان با معارف دینی) و ارتقای رفتاری (انجام اعمال صالح بر حسب دستورات دین). زن با تقوا، تمایلاتش مبتنی بر ارزش‌های الهی است و فکر و رفتارهای او نیز صبغه الهی می‌گیرد. چنین زنی می‌تواند به وظایف خود در محیط خانواده و جامعه به بهترین شکل عمل نماید، به گونه‌ای که این عمل همراه با پایداری و مقاومت براساس ارزش‌های الهی در همه ابعاد و سطوح زندگی باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المرأة الصالحة خير من الف رجل غير صالح؛ یک زن شایسته، برتر از هزار مرد ناصالح است» (حرعاملی، ۱۳۸۴).

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «از مردان، بسیاری به درجه آخر کمال رسیدند، ولی از زنان، چهار زن به درجه عالی کمال رسیدند: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه علیها السلام». (مجلسی، ۱۳۷۴، ۱۳/۱۶۲) حضرت مریم (به معنای عابده یا خادمه)، به واسطه نذر مادرش، حنّاء، خدمتکار بیت المقدس شد. وی در سن نه سالگی در روزه، نماز و پارسایی از همه عابدان زمانش پیشی گرفت. آنقدر به عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد. پاکدامنی و تقوای

او به حدی بود که از وی حضرت عیسی متولد شد. از آسیه، همسر فرعون، نیز در آیه یازدهم سوره تحریم به عنوان الگوی زن مؤمن یاد شده است. آسیه به خاطر ایمانش به خدای موسی علیه السلام توسط فرعون به بدترین شکل شکنجه و کشته شد. وی به مقامی رسید که به دعای حضرت موسی علیه السلام قبل از شهادت، مقام خود را در بهشت مشاهده نمود (بلاغی، ۱۳۳۱). همچنین حضرت خدیجه علیها السلام از زنان ثروتمند مکه بود. او به قدری پاک و با عفت بود که در زمان جاهلیت به او طاهره (بانوی پاک) می گفتند. آن حضرت تمام اموال خود را در راه پیشبرد اسلام و مستضعفین مصرف کرد. ایشان در نتیجه ایمان و ایثار، به مقامی رسید که جبرئیل در سفر معراج به پیامبر عرض کرد از جناب خداوند و از جانب من به خدیجه سلام برسان (نوری همدانی، ۱۳۸۲).

حضرت زهرا علیها السلام، تنها زن معصوم است و دلیل مقام عصمت ایشان، فضائل علمی و خصال اخلاقی همچون شجاعت، صبوری و استقامت زهد و بی رغبتی به دنیا، قناعت و کفایت به حداقل زندگی، تشخیص بالای مسائل زمان، تعقیب مسائل سیاسی، حمایت از مقام ولایت، سخاوت، انفاق و... بود. (نبیلی پور، ۱۳۸۷) در دامان چنین مادری است که حضرت زینب کبری علیها السلام تربیت شد که همچون گنجینه بی بدیل در واقعه کربلا نقش آفرینی کرد.

۲-۱-۲. علم آموزی

زنان به دلیل جمعیت زیادشان در تولید، توزیع، انتشار دانش و فناوری، نقش بسزایی دارند. همچنین به علت نقش تربیتی آنان در پرورش افراد جامعه، توجه به توانمندی آنان در عرصه های علم و فناوری (اعم از آموزش، پرورش و امور اجرایی) از مهم ترین ارکان برنامه توسعه جوامع است. از دیدگاه اسلام و اهل بیت علیهم السلام، تحصیل علم امری مهم و ضروری است، به طوری که برای آن «محدودیت زمانی» مطرح نیست. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد» (بایده، ۱۳۸۲). تحصیل علم «محدودیت مکانی» ندارد، از این رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصین» (مجلسی، ۱۲۵/۱، ۱۳۷۴) و نیز محدودیت جنسیتی در علم آموزی بی معنی است. در این مورد نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ علم آموزی بر هر مسلمانی (چه زن و چه مرد) واجب است» (نوری، ۱۴۰۸، ق. ۱۷/۳۴۲). از نظر امام سجاد علیه السلام علم دو گونه است: علمی که باید از استاد آموخت و علمی که در نتیجه

ایمان، تقوا و خودسازی در ذهن انسان به وجود می‌آید (نوری، ۱۳۸۲).

حضرت رسول در این باره فرمود:

یا اباذر ما زَهَدَ عبدٌ فی الدنیا الا انبت الله الحکمہ فی قلبه و انطق بها لسانه.

ای ابوذر هر بنده‌ای که در دنیا شیوه زهدپیشگی و پارسایی را پیش بگیرد، خداوند جوانه درخت علم و حکمت را در قلب او می‌رویاند و میوه آن را به صورت نطق و سخن‌های حکمت‌آمیز در زبان او به جریان می‌اندازد. (مجلسی، ۱۳۷۴، ۲۶۵/۷۴)

۳-۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از وظایف فردی مشترک زن و مرد است که در هشت آیه قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، اساس همه خوبی‌ها و ارزش‌ها و وسیله ریشه‌کن ساختن همه بدی‌ها معرفی شده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أُمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ، وَوَسَلَتْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ.

مردم تا هنگامی که به ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌کنند و یکدیگر را در راه خیر کمک می‌نمایند، فضای زندگی آنها فضای خیر و صلاح خواهد بود. ولی موقعی که این فریضه الهی را ترک کنند، برکت‌ها از زندگی آنها سلب می‌شود و برخی از آنها بر بعضی دیگر (براساس روایات دیگر اشرار بر اخیار) مسلط می‌گردند و در آسمان و زمین یار و یاورى برای خود به دست نمی‌آورند. (حر عاملی، ۱۳۸۴، ۱۶/۱۲۳)

امام حسین علیه‌السلام در بسیاری از کلمات خود از مدینه تا کربلا بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر تکیه می‌کرد. حضرت در وصیت‌نامه معروف خود به محمد بن حنفیه هدف از قیامش را به طور آشکار امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند. به تعبیر زیبایی شهید مطهری، «به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد» (نماینده‌گی ولایت فقیه در سپاه، ۱۳۷۲).

۲-۲. وظایف زن در خانواده

قرآن کریم در سوره نور، آیه ۳۶، خاستگاه تابش نورانیت پروردگارش را خانه‌هایی می‌شمارد



که عبودیت به شکل واقعی در آن شکل گرفته و مورد توجه پروردگار عالم است. اسلام زن و مرد را در رسیدن به سعادت جاودانه و قرب و عبودیت، برابر و هر دو را دارای هدفی مشترک می‌داند، اما این حرکت به سوی کمال، براساس تدبیر حکیمانه خالق هستی، بدون توجه به تناسب آن با ظرفیت‌ها و استعدادها نبوده است. چنانکه پیامبر اسلام ﷺ جهاد مردان را بذل مال و جان در راه خدا و جهاد زنان را شوهرداری نیکو دانسته‌اند (مجلسی، ۱۳۷۴، ۱۰/۴۶۲).
 براین اساس، نقش زن و مرد در محیط خانواده و جامعه با یکدیگر تفاوت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴/۲۲۹-۲۳۰)؛ یعنی چگونگی رسیدن به سعادت و کمال زن و مرد متفاوت است. مردان و زنان از نظر جسمی و اخلاقی با هم متفاوتند، به همین دلیل وظایف متفاوتی نیز دارند.

خَيْرُ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصَالِ الرِّجَالِ الرَّهْوُ وَالْجُبْنُ وَالْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَةً لَمْ تُمْكِنَ مِنْ نَفْسِهَا وَإِذَا كَانَتْ بَخِيلَةً حَفِظَتْ مَالَهَا وَمَالَ بَعْلِهَا وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا!

بهترین خصلت‌های زنان، بدترین خصلت‌های مردان است. مانند تکبر، ترس و بخل. هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد، اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و چون ترسان باشد، از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳)

زن کانون عاطفه و محبت در محیط خانواده است که باعث وحدت و انسجام فرزندان و همسر می‌شود، نظام خانواده را قوام می‌بخشد و سلامت و سعادت خانواده و جامعه در گرو حفظ شخصیت او است. (نوری همدانی، ۱۳۸۲) بنابراین، خانه اولین دانشگاه برای تربیت و ساختن شریف‌ترین عنصر هستی، یعنی انسان است. (نیلی پور، ۱۳۸۷)

براساس این ویژگی و توانایی خاص، زنان می‌توانند نقش‌های مربوط به خود را مانند نقش همسری، فرزندپروری، خانه‌داری و حضور حمایتی در جامعه را براساس اهداف آفرینش به انجام رسانند. عاطفه محوری زن، موهبتی الهی است که تقویت‌کننده نظام خانواده و به دنبال آن اصلاح خانواده و همچنین تقویت‌کننده نظام اجتماعی است؛ چراکه زن از طریق این فطرت الهی (عاطفه محوری) می‌تواند تمایلات اعضای خانواده را رهبری کرده و آنها را به سهولت به مقام بندگی برساند.

۲-۲-۱. نقش مادری

۲-۱-۲-۱. تربیت دینی و اخلاقی فرزندان

رسول گرامی اسلام به والدین سفارش کردند: «أَذْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ بَيْتِكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندانان را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبران، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن». (محمدی ری شهری، ۱۳۷۴، ۱۴/-)

تربیت دینی از عوامل اساسی سعادت انسان در حیات دنیوی و حیات اخروی است. مذهب، بزرگ‌ترین منبع تربیت در خانواده است. کودک در زندگی نیازمند ستونی پایداری است که به هنگام تزلزل بدان متکی شود که ایمان و عقیده می‌تواند این نقش را بر عهده گیرد. از مصادیق قرآنی نقش اعتقادی مادر در پرورش کودک می‌توان به دو پیامبرزاده، یعنی پسر نوح عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام یاد کرد. پسر نوح عَلَيْهِ السَّلَام در آخرین لحظات نزول بلا، حتی با اصرارهای هدایت‌آمیز پدر راضی به پذیرش صراط توحیدی نشد در حالی که حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام برای تحقق امر خداوند در قربانی شدن خودش، حتی پدر را ترغیب و تشویق می‌کرد. این موارد نشانه تأثیر تربیت دینی و اعتقادات متمایز است که مادر در فرزند نهادینه می‌کند.

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام برای این مطالب تأکید داشت که بچه‌ها را از کودکی باید به انجام تکالیف دینی فراخواند و آنان را به خدا پیوند داد و بذری محبت با معبود را در کام آنان فشاند تا انجام تکالیف برای آنان نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشد، بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند. (نبلی پور، ۱۳۸۷)

۲-۲-۲. تعلیم و علم‌آموزی

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر؛ بر شما باد اقدام نمودن به تربیت و تعلیم در مراحل رشد و نوجوانی؛ زیرا آنان در این مرحله به سوی هر خیری سبقت می‌گیرند. (کلینی، ۱۳۶۳، ۸/-)

نراقی در جامع‌السعادت می‌نویسد: «فرزند امانت خداست و قلبش پاک و دانش نفیس و آماده هر نقشی و صورتی است و قابلیت خیر و شر دارد و این والدین هستند که او را به سوی بدی یا خوبی سوق می‌دهند» (نراقی، ۱۳۷۵).

مادر، بدون اینکه قصد آموزش مفاهیم به فرزند خود را داشته باشد با رفتار و کردار خود، در حال آموزش غیررسمی به فرزند است. کودک اکثر مهارت‌ها و دانستی‌ها را در این دوران، بدون واسطه از خانواده خود دریافت می‌کند و به تعبیر امیرالمومنین علیه السلام: «العلم فی الصغر کالتنقش علی الحجر؛ دانشی که در کودکی فرا گرفته می‌شود، مانند نوشته بر سنگ است» (مجلسی، ۱۳۷۴، ۱/-).

علم در بالا بردن سطح اطلاعات و انجام مسئولیت‌های مختلف فرزندان نقش عمده‌ای دارد و مادر باید به علم‌آموزی و تحصیل فرزندان توجه نماید؛ چرا که جهل و بی‌سوادی منشأ بسیاری از مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی فرزندان می‌شود. (قائمی، ۱۳۸۳) مادر می‌بایست از طریق ایجاد انگیزه علم‌آموزی و ایجاد محیطی آرام در منزل، فضایی مناسب برای تعلیم فراهم نموده و نیز بر ساز و کار اجرای آن نظارت و کنترل داشته باشد.

۲-۲-۳. تأدیب (مسئولیت‌پذیری، نظم‌پذیری و اجتماعی شدن)

یکی از جنبه‌های فرزند‌پروری، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و نهادینه کردن آن در فرزندان است. به طوری که فرزندان به وظایف و مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خود آشنا شده و به آن ملتزم گردند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «برای هر یک از کارکنان منزل کاری را معین کنید و مسئولیتی بر عهده‌اش بگذارید، وقتی وظیفه خود را فهمید، به امید دیگران از زیر کار شانه خالی نمی‌کند» (آمدی، ۱۳۷۷).

در این بین به دیگر نیازهای تربیتی‌ای همچون با ملاحظت بودن نسبت به فرزند، عدالت در تربیت، ترحم کردن، مراقبت کردن در هر دوره از دوران زندگی فرزند (اعم از مراقبت بهداشتی، امنیتی، اخلاقی، تغذیه، پوشش، استراحت و تفریحات، حضور و غیاب و مراقبت‌های عاطفی و احساسی) بازی کردن با فرزند و تعلیم مردم دوستی به فرزند، وفای به عهد، صداقت، آداب دوست‌گیری عفاف و پاکدامنی و جلوگیری از زود رنجی فرزندان و... را نیز باید در نظر داشت.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «در این نهضت، زنان حق بیشتری از مردان دارند. زنان، مردان شجاع را در دامان خود بزرگ می‌کنند و قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان سازند».

همچنین می‌فرماید:

در این خانه کوچک فاطمه علیها السلام و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت‌هایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است.

(مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵)

بنابراین، مادران می‌توانند با داشتن رموز تربیت و به کار بستن آن، فرزندان سعادت‌مند تربیت کنند و یا با سرسری گرفتن و اهمال کاری نسبت به امر تربیت و با ندانستن موازین آداب تربیت، زمینه تباهی و فساد جامعه را فراهم سازند. اگر مادران کودکان خود را امروز با ایمان، درستکار، شجاع، بلند همت، خوش اخلاق، خیرخواه، خدمت‌گزار، بردبار، ظلم‌ستیز، استکبارستیز، عدالت‌خواه، حق‌گو، امین، متفکر، راستگو و اهل دادن صدقه و انفاق تربیت کنند، کودکان با همین صفات عالی در جامعه ظاهر خواهند شد و جامعه‌ای با این مزایا به وجود خواهند آورد و فضای جامعه را فضای بهشتی خواهند ساخت. این در حالی است که اگر مادران در نتیجه ضعف ایمان و یا جهل و یا ندانستن فنون و رموز تربیت صحیح، فرزندان را تربیت کنند که بد اخلاق، دروغ‌گو، ترسو، ستمگر، کوتاه‌فکر، بی‌اراده، متملق، خودخواه، نادان و بی‌تقوا باشند، جامعه‌ای فاسد و منحط ایجاد خواهد کرد. (نوری

همدانی، ۱۳۸۲)

۲-۲-۲. نقش همسری

هنگامی که زن و مرد با یکدیگر پیوند زناشویی می‌بندند و زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند، هر یک در عرصه عبودیت به دنبال انجام وظیفه خویش در قبال دیگری خواهند بود. از آنجا که زیربنای جامعه کوچک خانواده بر پایه عشق، محبت، گذشت و فداکاری نهاده می‌شود، زن و مرد ناگزیر از تبعیت از حاکمیت اخلاق در محیط خانواده‌اند. موفقیت زن و مرد در زندگی زناشویی، در گرو آشنایی با حقوق و تکالیف و رعایت اخلاق حسنه است. (مطهری، ۱۳۸۵) ناآگاهی همسران نسبت به این امور، باعث ظلم و ناعدالتی نسبت به یکدیگر می‌شود. رعایت تکالیف، حقوق و اخلاق اسلامی مسلزم آن است که زن و مرد در اطاعت الهی و در عرصه عبودیت یاری‌گر یکدیگر باشند. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند که همسر خود، فاطمه را چگونه یافتی؟ فرمود «نعم العون علی طاعة الله؛ فاطمه بهترین یاور من در اطاعت الهی است» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۴). یعنی، فاطمه با عنوان یک همسر به

گونه‌ای ایفای نقش می‌کند که یاریگر همسر خود در اطاعت الهی می‌شود و اینگونه مسیر اطاعت و بندگی را برای همسرش هموار می‌سازد و خود نیز به واسطه عمل به این رسالت، رستگار می‌شود (معین‌الاسلام، ۱۳۸۹).

چنانچه وظایف زن نسبت به همسر همچون آراستگی، محبت، احترام، تبعیت از شوهر، همدمی، گذشت و ایثار، حمایت از شوهر و روحیه سپاسگزاری؛ حول محور عبودیت و پرستش خداوند ساماندهی گردد، زن مسلمان نقش همسری خود را به بهترین شکل انجام داده است. بر همین اساس در روایات متعددی، شیوه‌های گوناگون همسرداری در قالب‌های کلامی و رفتاری سخن به میان آمده است. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابراز محبت مرد به همسرش را سبب ماندگاری او در قلب زن می‌داند و در حدیثی دیگر می‌فرماید، لبخندهای زن و شوهر به هم، هنگام برخورد با یکدیگر یا هنگام خداحافظی، صدقه است و به اندازه انفاق در راه خدا ارزش دارد. (رک: کلینی، ۱۳۶۳)

از جمله تعابیر قرآن در ترسیم رابطه همسران، استفاده از تمثیل «لباس» است: «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ...؛ ... آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید...» (بقره: ۱۸۷). لباس از یک سوانسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیا به بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر عیوب او را می‌پوشاند، همچنین زینتی است برای تن آدمی... دو همسر یکدیگر را از انحرافات حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند و هریک زینت دیگری هستند. این تعبیر نهایت ارتباط معنوی، مساوات و نزدیکی مرد و زن به یکدیگر را به خوبی روشن می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۶۶/۱-). شاید چیزی مانند لباس به انسان نزدیک نباشد و این تعبیر اصل دوستی و قرابت معنوی زن و شوهر را می‌رساند. به علاوه کارکردهای آن زمینه دوستی و نزدیکی همسران را بارور می‌سازد. همسران نسبت به یکدیگر عیب پوش و راز نگهدارند؛ چنانکه لباس عیوب انسان و مسائل شخصی و اختصاصی را می‌پوشاند: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ پس زنان درستکار، فرمانبردارند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده، اسرار شوهران خود را حفظ می‌کنند» (نساء: ۳۴). همسران، زینت یکدیگرند؛ یعنی همانگونه که لباس تاحدی نشان شخصیت فرد و موجب زینت او است، همسران نیز با نادیده گرفتن لغزش‌ها و نقاط منفی جزئی و با برجسته نمودن ویژگی‌های مثبت و تقویت آنها می‌تواند زینتی برای همسر خود باشد. توجه

به این مسئله در رفع بسیاری از اختلافات خانوادگی و در جلب محبت همسر تأثیر بسیار مهمی دارد؛ زیرا انسان به طور فطری به کسی علاقه مند می‌شود که به او احسان کند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۷۴، ۳۱۱/۶۷) و چه احسانی بالاتر از پوشاندن عیوب، گذشتن از لغزش‌ها، تقویت اعتماد به نفس و برجسته ساختن ویژگی‌های مثبت (آذربایجانی، ۱۳۹۰).

۲-۲-۳. نقش خانه‌داری

تعادل (رعایت عدالت در حقوق و تکالیف و اخلاق اسلامی و دوری از افراط و تفریط)، تفاهم (درک متقابل)، تعاون (حمایت، همکاری و مشارکت در اداره زندگی) سه اصل اخلاقی در تشکیل و پایداری نظام خانواده است. این اصولی است که رعایت آن توسط زن، می‌تواند محیط خانواده را به محیط دوست داشتنی، امن، آرام و سازنده تبدیل کند. از این رو، «اداره خانه بر اساس اصول فوق بر عهده بانوان است و زن به گونه‌ای مدیریت می‌کند تا محیط خانه مرکز انس و مودت متقابل زن و مرد و فرزندان به یکدیگر و مرکز تجدید نشاط باشد، همچنین محیط خانه، آموزش دهنده حقوق و تکالیف و اخلاق و تربیت فرزندان و مرکز رفع نیازهای فردی همسر و فرزندان باشد. (نوری همدانی، ۱۳۸۲) بنابراین، اداره صحیح و منظم خانه، یکی از وظایف مهم زن مسلمان است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این باره می‌فرماید: «آنگاه که زن در منزل به امور خانه و تربیت فرزند می‌پردازد به خدا نزدیک‌تر است».

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تقسیم کار میان اعضای خانواده، کار منزل را به حضرت زهرا علیها السلام و کار بیرون را به علی علیه السلام سپردند، حضرت زهرا علیها السلام با خوشحالی فرمود: «فقط خدا می‌داند که من از اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کار مردانه را از دوش من برداشتند، چقدر خوشحالم» (مجلسی، ۱۳۷۴، ۴۳-).

«قناعت» از مصادیق مدیریت زن در خانه مبتنی بر سه اصل تعادل، تعاون، تفاهم است. وقتی زن در عرصه عبودیت ایفای نقش می‌کند، ارزش‌ها تغییر می‌کند و انگیزه قناعت و انفاق، سبقت در خیرات و... را در خود نهادینه خواهد کرد. زن در عرصه عبودیت به تطهیر و تزکیه می‌اندیشد نه به تکاثر. قناعت و صرفه‌جویی باعث می‌شود که با کمترین امکانات، بهترین و با صفاترین محیط در خانواده ایجاد شود. صرفه‌جویی در غذا، پوشاک، تفریح، مسافرت، تأمین مسکن و دوری از تجمل‌گرایی، سنگ بنای رعایت اعتدال و اقتصاد در خانواده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرمایند:

هرزنی که با شوهرش مدارا نکند و او را به تهیه چیزی و انجام کاری که توان آن را ندارد، وادار کند، هیچ عمل و کار خوب از او قبول نخواهد شد و در قیامت خدا را در حالی ملاقات خواهد کرد که بر او خشمگین است. (مجلسی، ۱۳۷۴، ۱۰۳-)

۲-۳. وظیفه زن در جامعه

ولایت مداری یکی از مهم‌ترین ارزش‌های شیعیان است که خانواده متولی انتقال آن است و زن مسلمان عهده‌دار مسئولیتی خطیر در این عرصه است. زن در جایگاه مربی خانواده و عامل اصلی انتقال ارزش‌ها، نقش ویژه‌ای در دفاع از ولایت و تلاش برای حفظ این ارزش الهی دارد و در این زمینه از حضرت زهرا علیها السلام پیروی می‌کند.

از این رو، وظیفه اصلی زن حضور مستقیم در جامعه و پذیرش نقش‌های اجتماعی و اشتغال در مشاغل مردان نیست، بلکه زن نقش حمایتی وی نسبت به اعضای خانواده اصلی‌ترین وظیفه او است. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی هرگاه زن اصالت را به نقش‌های دیگری غیر از مادری و همسری دهد، از صراط مستقیم خارج است. (معین الاسلام، ۱۳۸۹) با وجود این، نباید حضور اجتماعی زنان را به طور کامل نفی نمود؛ چراکه طرح مسئله حجاب در قرآن کریم (احزاب: ۳۳) خود دلیل محکمی است بر جایز بودن حضور زن در صحنه اجتماع؛ اگر حضور زن در جامعه لازم نبود، مسئله حجاب هم لازم نبود. سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز در برهه‌های گوناگون ناظر بر این مطلب است و مشارکت سیاسی زنان را مورد تأیید قرار می‌دهد.

درباره اشتغال زنان باید به سه نکته توجه کرد: نخست تحلیل ساختاری خانواده و اینکه هریک از زن و شوهر دارای نقش‌های متمایز و مکمل یکدیگرند؛ دوم، توجه به تفاوت‌های تکوینی که سوگیری طبیعی پذیرش نقش‌ها را فراهم می‌کند و سوم، تفاوت‌های تشریحی که هنجارهای زیربنایی قوانین و الگوهای رفتاری در خانواده را مشخص می‌کند. با توجه به اینکه اسلام اداره اقتصادی خانواده را به عهده مرد گذاشته و در اداره تربیتی-عاطفی خانواده، اولویت را به زن داده است و همچنین به دلیل پیامدهای منفی اشتغال بانوان، اولویت حضور زنان در اداره امور داخلی خانواده ثابت می‌شود. اشتغال به طور کلی و به ویژه در بیرون خانه به مثابه «نقش ثانوی» و پس از فراغت از ایفای نقش‌های اولیه (مادری، همسری و خانه‌داری) برای زنان قابل پذیرش است.

البته حضور مستقیم زن در مشاغل اجتماعی در مواردی به خاطر نیاز جامعه اسلامی و یا نیاز خانواده ضروری است. برای مثال حضور در اجتماعات سیاسی در حمایت از نظام اسلامی و ولایت فقیه، حضور در مشاغل مورد نیاز ویژه زنان (معلم، پرستار، پزشک، امور هنری و...) و حضور در مشاغل مختلف به دلیل فقدان همسر و یا ناتوانی همسر در اداره امور اقتصادی خانواده. نقش والای حضرت زینب علیها السلام در قیام کربلا بهترین شاهد بر دفاع زن مسلمان از ولی زمان خویش است. نقش ایشان در جریان حادثه عاشورا و پس از آن نشان داد که زن در حاشیه تاریخ نیست، بلکه در متن حوادث مهم تاریخی حضور می‌یابد.

۳. نتیجه‌گیری

زن مسلمان با طی مسیر عبودیت و حمایت از حریم دین و ولایت و با صبر، استقامت و مجاهده در این مسیر، الگویی می‌شود برای «اقامه، اشاعه و عمل» به دستورات دینی و التزام به اخلاق و اعتقادات اسلامی. زن مسلمان با وظیفه‌گرایی برای قوام نظام خانواده، نقش‌هایی را همچون مادری، همسری، خانه‌داری به گونه‌ای ایفا می‌کند که گرفتار افراط و تفریط و بی‌عدالتی‌های زنان فمینیسم نشود تا در محیط جامعه نیز به مثابه یک شیء و کالا به آن نگریسته نشود. زن مسلمان تمام تلاش خود را صرف پرورش نهال باکرامت خانواده در بستر عبودیت و پرستش خداوند و حفظ شریعت اسلام و دفاع از ولایت الهی می‌کند. در حالی که زن غربی گرفتار و اسیر دنیای سراب‌گونه خویش بوده و در توهم موضوعاتی همچون برابری خود با مردان و حتی اثبات برتری زنان نسبت به مردان به سر می‌برد و به دنبال احقاق حقوق به ظاهر پایمال شده زنان است. بنابراین، زن غربی نتیجه‌مدار بوده و به دنبال اوج لذت از زندگی دنیایی است، اما زن مسلمان در عرصه عبودیت و وظیفه‌مدار بوده و به دنبال انجام وظایف محوله خود از جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی برای رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و آخروی است. حضور زن مسلمان در بستر عبودیت باعث می‌شود تا همه فعالیت‌های وی در نقش‌هایی همچون مادری، فرزندپروری، خانه‌داری و... عبادت باشد.

بسیاری از انحرافات اجتماعی اعضای خانواده مانند سوءظن، بی‌اعتمادی، پرخاشگری، همسرآزاری، کم‌توجهی به امور خانه، تجمل‌گرایی، اختلافات زن و شوهر،

طلاق، اعتیاد جوانان، بحران در هویت شخصی و تزلزل پایه‌های خانواده و... در اثر افراط و تفریط‌ها و ره‌آورد جریان «فمینیسم» در جوامع امروز است. نتیجه این عدم تعادل، تخریب نقش مادری، همسری و خانه‌داری زنان خواهد بود که در اسلام و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام مهم‌ترین ارزش‌ها و نقش‌ها در زندگی زن مسلمان است.

در اسلام جنس (زن و مرد بودن) مطرح نیست، تعالی بشر مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنس‌های بشری متوجه است، مطرح است. (سخنرانی مقام معظم رهبری در

ورزشگاه آزادی، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حسن بن علی (۱۳۸۲). تحف العقول. مترجم: جنتی، احمد. تهران: نشر الحورا.
۲. آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۰). روان‌شناسی اجتماعی. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. آمدی، عبدالحمید تمیمی (۱۳۷۷). غرر الحکم در الکلم. مترجم: رسولی محلاتی، هاشم. تهران: نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
۴. بلاغی، صدرالدین (۱۳۳۱). قصص قرآن. تهران: چاپ تابان.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: نشر دنیای دانش.
۶. حسینی، سیدمنیرالدین (۱۳۷۴). مجموعه مباحث جرم‌شناسی. قم: نشر داخلی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.
۷. سخنرانی مقام معظم رهبری در ورزشگاه آزادی، ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی، محمدباقر. قم: نشر جامعه مدرسین.
۹. قائمی، علی (۱۳۸۳). اسلام و تربیت دختران. تهران: انتشارات امیری.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: انتشارات اهل بیت.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). بحار الانوار. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۱۲. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۴). زنان مرد آفرین تاریخ. تهران: انتشارات نبوی.
۱۳. محمدی‌ری شهری، محمد (۱۳۷۴). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مجموعه آثار. تهران: نشر صدرا.
۱۵. معین‌الاسلام، مریم (۱۳۸۹). زن منتظر. تهران: نشر مؤسسه علمی و فرهنگی زنان منتظر.
۱۶. روح‌الله، خمینی (۱۳۷۵). صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه‌السلام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. نراقی، مهدی (۱۳۷۵). جامع السعادات. قم: دارالتفسیر.
۱۸. نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۲). راهنمای تبلیغ در دهه عاشورا. تهران: نشر برگزیده.
۱۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۰. نوری همدانی، حسین (۱۳۸۲). جایگاه بانوان در اسلام. قم: انتشارات مهدی موعود.
۲۱. نیلی‌پور، مهدی (۱۳۸۷). فرهنگ فاطمیه. اصفهان: نشر مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۴). وسائل الشیعه. قم: جامعه مدرسین.